

این بار دوم در بغداد بود.

بعد از قتل محمد و ابراهیم دو پسر عبدالله بن حسن که آن را در کتاب قدیمی یاد کردم به خط حسین بن علی بن هند یافتیم که گفت: روایت است برای ما محمد بن جعفر رزّاز قرشی از محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین از بشیر بن حماد از صفوان بن مهران جمال که گفت: مردی از قریش مدینه از بنی مخزوم به منصور خبر آورد که جعفر بن محمد یار خود معلی بن خنیس را برای جمع آوری اموال از شیعیانش فرستاده و او با این اموال محمد بن عبدالله را یاری می‌رسانده است. این موضوع منصور را عصبانی کرد و نزدیک بود دستش را بخورد و از این رو به عمویش نوشت (داود در آن زمان حاکم مدینه بود) که جعفر بن محمد را نزد او بفرستد و به او مهلت ندهد. پس داود نامه منصور را برای حضرت فرستاد و گفت فردا به سوی امیرالمؤمنین حرکت و درنگ نکن. صفوان می‌گوید: در آن روز من در مدینه بودم. جعفر بن محمد دنبالم فرستاد. به نزدش رفتم و به من گفت: مرکب ما را آماده کن که اگر خدا بخواهد فردا به عراق می‌رویم. در این هنگام حضرت بلند شد و به همراه هم به مسجد پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفتیم. آن موقع نماز ظهر و عصر بود. پس در مسجد چند رکعت نماز خواند سپس دستش را بلند کرد و آن روز از دعایش این را حفظ کردم.

دعا این بود:

يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ ابْتِدَاءٌ وَلَا انْتِزَاءٌ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ أَمَدٌ وَلَا نِهَائِيَّةٌ وَلَا مِيقَاتٌ وَلَا غَايَةٌ يَا ذَا
الْعَرْشِ الْمَجِيدِ وَالْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ وَلَا
تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ يَا مَنْ قَامَتْ بِجَبْرُوتِهِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا
وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْرُسْنِي فِي سَفَرِي وَمَقَامِي وَ
فِي حَزْنِي وَاتَّقِئَالِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاكْنُفِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يَضَامُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ
فِي سَفَرِي هَذَا بِلَا تَقَّةٍ لِعَيْرِكَ وَلَا رَجَاءٍ يَاؤِي بِي إِلَّا إِلَيْكَ وَلَا قُوَّةَ لِي إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا
حِيلَةَ إِلَّا إِلَيْهَا إِلَّا ابْتِغَاءَ فَضْلِكَ وَالتَّمَسَّاسِ عَافِيَتِكَ وَطَلَبِ فَضْلِكَ وَإِجْرَائِكَ لِي عَلَى
أَفْضَلِ عَوَائِدِكَ عِنْدِي، اللَّهُمَّ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي سَفَرِي هَذَا مِمَّا أَحَبُّ وَأَكْرَهُ فَتَمَهَّمَا
أَوْقَعْتَ عَلَيْهِ قَدْرَكَ فَمَحْمُودٌ فِيهِ بَلَاءُكَ مُنْتَصِحٌ فِيهِ فَضَاؤُكَ وَأَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتَثْبُتُ
وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ. اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقْضِي كُلِّ لَأْوَاءٍ وَابْسُطْ

عَلَيَّ كَفَاءً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لُطْفًا مِنْ عَفْوِكَ وَ تَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ حَتَّى تَحْفَظَنِي فِيهِ بِأَحْسَنِ مَا حَفَظْتَ بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَلَقْتَهُ فِي سِتْرِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ كِفَايَةَ كُلِّ مَضْرَّةٍ وَ صَرَفَ كُلِّ مَحْذُورٍ وَ هَبَّ لِي فِيهِ أَمْنًا وَ إِيمَانًا وَ عَافِيَةً وَ يُسْرًا وَ صَبْرًا وَ شُكْرًا وَ أَرْجِعْنِي فِيهِ سَالِمًا إِلَى سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ترجمه: ای کسی که نیست برای او نه ابتدا و نه انتها، ای کسی که برای او نیست نه آغازی و نه پایانی و نه نخستین و نه آخری ای صاحب عرش بزرگ و ای کوبندگی سخت ای کسی که هر چه بخواهد انجام می دهد، ای کسی که هیچ پناهی از او مخفی نمی شود و نه صدای و صوتی شبیه او نیست ای کسی که به خاطر بلند مرتبه گی و بزرگیش آسمان و زمین برپاگشته ای بهترین رفیق ای صاحب مغفرت زیاد ای نیکوترین بخشش کننده درود فرست بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پارسای تن مرا در سفرم و در مقامم و در حرکتم و در انتقالم با چشمت همان چشمی که هرگز خواب به آن نمی رسد و پناهم ده در سراسر پردهات همان سراپرده ای که از بین نمی رود.

بارالها! براستی که من در این سفر به هیچ کس امید ندارم جز به یاری تو و هیچ پناهی ندارم که در آن پناه داشته باشم جز به تو. و هیچ قدرتی ندارم که به آن توکل داشته باشم جز به تو و هیچ چاره ای ندارم جز به امید فضل تو و در خواست عافیت و سلامتی و طلب فضل از درگاه تو با بهترین و نیکوترین عافیت و سلامتی در نزد من از تو.

بارالها! براستی که تو آگاهتر از من هستی به آنچه در سفرم اتفاق خواهد افتاد. از چیزی دوست دارم و از چیزی که دوست ندارم پس آنچه قدرت و مشیت تو در آن است مورد ستایش قرار گرفته است در بلا و گرفتاری و قدر و براستی که تو محو می کنی آنچه که می خواهی و ثابت و استوار می کنی آنچه که می خواهی و براستی که در نزد تو ام الكتاب است.

بارالها! پس دورگردان از من پیشامدها و بلاها را و پایان هر آغاز را و افراشته گردان بر من سراپردهات از رحمت و از لطف و کرم و گذشتت و تمام نعمتهایت تا وقتی که مرا حفظ گردانی در آن با بهترین و نیکوترین چیزی که با آن یک مومن غائب را در پوشاندن هر بدی و کفایت دادن هر ضرر و زیان و دور شدن هر شر، قرار ده برایم در آن ایمن بودن و ایمان داشتن و عافیت و خوبی و صبر و شکر و مرا برگردان از آن سفر به وطن خود در حالی که سالم و سلامت باشم ای مهربانترین مهربانان.

